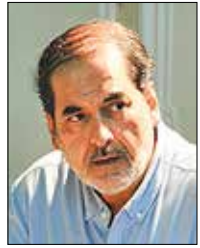


هنرمند نقاش رزمنده رضا بدرالسماء مطرح کرد:

با هنر نقاشی راه شهدا را ادامه می‌دهم



مریم سادات گوشه /

«وقتی که جنگ شروع شد خدا اولین فرزندم را به من عطا کرد. فرزندی که پس از فوت چهار فرزند دیگر به ما داده شد. تازه جنگ شده بود و من به خاطر مسئولیت سنگین نگهداری از خانواده خودم و پدرم تراحتی نبودم

که نتوانم به جنگ بروم. با اینکه روحیه حساسی داشتم و از جنگ و خونریزی بیزار بودم اما احساس وظیفه کردم. وظیفه‌ای که هر کس نسبت به وطنش دارد؛ نسبت به اسلام و دینش. وطنی که تازه به استقلال رسیده بود و بلاد کفر علیه آن متحذ شدند و به آن حمله کردند.»

بالاخره رضا بدرالسماء نقاش هنرمند پیشکسوت با تمام مشکلات و گرفتاری خود عازم جبهه شد. او درباره خاطرات آن روزهایش به «ایران» می‌گوید: «آرزو داشتم به جبهه بروم. چند بار با داوطلبانه و به همراه نیروهای بسیجی به جبهه رفتم. در آنجا به خاطر هنر نقاشی که داشتم کارهای فرهنگی انجام می‌دادم و حتی برای حمل مجروحان یا بردن تدارکات و اسلحه هم رانندگی مایشان را به عهد گرفته‌ام. اوایل جنگ بود و امکانات هم نداشتیم. دستمایه‌های خالی بود و راه‌ها بسته. من ماشین را به بندرعباس می‌بردم و از آنجا به اهواز.»

او در ادامه می‌گوید: «تازه غائله کیلانغرب ایجاد شده بود که برای کمک به آنجا هم رفتم. در یادگانی در شهر سندانج بودم و رانندگی می‌کردم. آن زمان علاقه زیادی داشتم و داوطلبانه رفتم. همین که بتوانم حداقل لیوان آبی به دست رزمنده‌های بدهم و خاک پایشان را ببوسم برایم ارزش داشت.»

بدرالسماء که در عملیات فتح‌المبین راننده آمبولانس حمل مجروحان بوده است، درباره حضورش می‌گوید: «در عملیات فتح‌المبین مجروحان زیادی را با آمبولانس به عقب برگرداندم. یادم است آخرین باری که آمبولانس را از مجروح شهید پر کردم، تا به پشت جبهه منتقل کنم، در راه دشمن همین طوره به سمت آمبولانس خمپاره می‌انداخت. تا اینکه یکی از خمپاره‌ها نزدیک آمبولانس خورد و ترکش خمپاره به ماشین اصابت کرد و من مجروح شدم. بعد از آن به شهرم بازگشتم. حتی نگذاشتم خانواده‌ام بفهمند که مجروحم. یکی از دوستانم که موضوع را می‌دانست به خانواده‌ام گفته بود. نیت ما آن زمان فی سبیل الله بود. رزمنده‌ها در قید و بند نام و شهرت نبودند. همه در راه خدا و امام خمینی (ره) می‌جنگیدند. بعد از آن ماجرا سعی کردم با هنرمندان راه ادامه هم و سیره شهدا را ترسیم کنم. چندین اثر هم راجع به شهدا کشیده‌ام.»

این هنرمند نقاش در ادامه توضیح می‌دهد: «در نظر دارم تابلویی با موضوع شهدا و آزادسازی خرمشهر با فرمایش حضرت امام خمینی (ره) که خرمشهر را خدا آزاد کرد بکشم. البته تابلویی درباره شهید احمد کاظمی کشیدم که نقش مؤثری در فتح خرمشهر داشت. ممکن است بعضی‌ها ندانند که او چه نقشی مهمی در آزادسازی خرمشهر ایفا کرد. اکنون پیش طرح تابلوی فتح خرمشهر را کشیده‌ام و در حال کار کردن درباره آن هستم.»

حالا او تابلوهایی دفاع مقدس را می‌کشد تا به جوانان بگوید چه خون‌های پاک‌ی نثار این آب و خاک شد تا بتوانیم استقلال کشورمان را حفظ کنیم و حالا هم باید راه شهدای وطن را با حفظ کشورمان ادامه دهیم.

گفت‌وگو با خواننده سرود خاطره انگیز خجسته باد این پیروزی:

تلاش برای ساخت موسیقی حماسی



نداسیجانی / محمد گلریز از خوانندگانی

است که در تولید و ساخت آثار ملی و میهنی بسیار فعال بوده است. یکی از آثار معروف او سرود «خجسته باد این پیروزی» است که به گفته اوموضوعیت ساخت آن مربوط به عملیات بیت المقدس است و در سالروز آزادسازی خرمشهر، که سوم خرداد ماه ۱۳۶۱ بود، پخش این قطعه شور و حال عجیبی در بین مردم ایجاد کرد. او در

گفت‌وگو با «ایران» درباره چگونگی ساخت این اثر بیان داشت: همکاری من با بزرگوارانی چون احمد علی راغب و حمید سبزواری به سال‌ها قبل بر می‌گردد و اکثر سرودهایی که اوایل انقلاب ساخته شد یا قبل و بعد از جنگ تحمیلی توسط این تیم منسجم شکل گرفته است. سرود «خجسته باد این پیروزی» هم یکی از همین آثار است که برای آزادسازی خرمشهر ساخته شد، البته کارهای بسیاری با موضوعیت جنگ و دفاع مقدس ساخته‌ایم، اما شکل‌گیری این اثر این گونه بود که حدود دو ماه قبل از این اتفاق بزرگ، یکی از دست‌اندرکاران بخش تولید کارهای حماسی و دفاع مقدس، جلسه‌ای تشکیل دادند و به ما گفتند پیروزی بسیار بزرگی پیش رو داریم و از این گروه می‌خواهیم یک کار ارزشمند در این زمینه ساخته شود. اگرچه بسیار کنجکاو بودیم از چند و چون کار با خبر شویم اما آن نماینده اظهار بی‌اطلاعی کرد و بسیار تأکید داشت این اثر به لحاظ ملودی و شعر بسیار اثرگذار باشد، تا آنکه با همکاری زنده یاد آقای راغب که آهنگساز این اثر بود و همچنین زنده یاد آقای سبزواری سراینده این سرود، این قطعه ساخته و آرشو شد. در همان برهه زمانی ما مورتیته‌ای خارج از تهران بودم که ناگهان برنامه رادیویی که از ماشین در حال پخش بود قطع شد و یک صدای رسا اعلام کرد، شنوندگان عزیز شنوندگان عزیز توجه فرمایید «خونین شهر آزاد شد» و بعد از آن مارش نظامی پخش و بار دیگر تکرار شد «شنوندگان عزیز توجه فرمایید خونین شهر آزاد شد» و بعد از آن سرود «خجسته باد این پیروزی» پخش شد و حال و هوای عجیبی به من دست داد و اشک شوق ریختم و متوجه شدم مردم به خیابان‌ها آمده‌اند و شیرینی پخش می‌کنند و صدای این سرود از کوچه و خیابان‌های شهر شنیده می‌شد و تا رسیدن به مقصد هر جا را نگاه می‌کردم این حال و هوا برپا بود و این پیروزی نوید خوشحالی بزرگ به مردم بود، حتی بعضی از دوستان رزمنده تعریف می‌کردند در طول عملیات این سرود پخش می‌شد و می‌گفتند با شنیدن این کار حال و هوای بسیار خوبی داشتند.

او در ادامه بیان داشت: این سرود برای آزادسازی خرمشهر است و مردم با هر سلیقه‌ای به مملکت و خاکشان عشق می‌ورزند و این کار برای آنها یادآور یک پیروزی بزرگ است و به عقیده من برخی از این کارها خاطره انگیز و ماندگار است.

حمیدرضا گودرزی، منتقد سینما:

شهری با دروازه‌های زمینی و دروازه‌های آسمانی



فتح خرمشهر در سوم خرداد سال ۱۳۶۱

فتح خرمشهر در سوم خرداد سال ۱۳۶۱ آنقدر خرداد مهم، عظیم و دراماتیکی است که می‌تواند دستمایه فیلم‌های سینمایی بسیاری قرار گیرد؛ اما این حماسه بسیار فراتر از یک اتفاق عظیم است و از ابعاد متعدد، گسترده و ژرفی می‌توان بر آن تأمل کرد. از این تاریخ، خرمشهر دیگر فقط نام یک شهر در جنوب ایران نیست؛ بلکه نماد مقاومت و آزادگی است؛ از این رو است که در تقویم یک سرزمین و در حافظه تاریخی یک ملت همیشه سرفرازان ماندگار است. این عظمت و اهمیت موجب شده آزادسازی خرمشهر به‌عنوان یک منبع، در آثار

مختلفی در عرصه سینما مورد توجه قرار بگیرد که اشاره‌وار به برخی از آنها بسنده می‌شود. فیلم «بلمی به سوی ساحل» را زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور در سال ۱۳۶۴ ساخت. داستان فیلم مربوط به زمانی است که خرمشهر در حال سقوط است و عده‌ای از رزمندگان برای کمک از تهران به فرماندهی مرتضی به خرمشهر اعزام می‌شوند؛ اما به دلیل محاصره خرمشهر توسط عراقی‌ها برای ورود به این شهر با مشکلاتی مواجه‌اند و... فیلم «حریم مهوروزی» به کارگردانی ناصر غلام‌زایی در سال ۱۳۶۵ از زاویه دیگری به فتح خرمشهر می‌پردازد. این فیلم روایت زنی به نام صبری است که همسرش را در جنگ و در خرمشهر از دست داده است و اینک با خانواده‌اش پس از سقوط خرمشهر در تهران زندگی می‌کند. احساس شغف و شادمانی مردم از فتح خرمشهر در فیلم به یادگار باقی مانده است. احمدرضا درویش دیگر فیلمساز است که با سه‌گانه «کیبیا»، «سرزمین خورشید» و «دوئل» به حماسه خرمشهر می‌پردازد. درویش بویژه در «سرزمین خورشید» و «دوئل»، صحنه‌هایی جذاب و تأثیرگذار را از آن دوران بازنمایی می‌کند. محمدحسین لطیفی نیز با فیلم زیبای «روز سوم» که درباره آزادی خرمشهر است، به مقاومت، عشق و از خودگذشتگی مردم این سرزمین می‌پردازد.

در قالب سریال تلویزیونی نیز طی این سال‌ها آثاری با موضوع حماسه خرمشهر ساخته شده است. مستندسازان هم فیلم‌های قابل شماری تولید کرده‌اند. مجموعه مستند «شهر آسمانی» نیز از ساخته‌های شهید مرتضی آوینی است. این مجموعه ۱۰ قسمتی که ۶ قسمت آن تاکنون پخش شده و به دلیل شهادت مرتضی آوینی ۴ قسمت پایانی‌اش نیمه‌کاره مانده، مستندی عمیقاً تأثیرگذار است که تله‌گرافیک شهادت، آزادگی، مقاومت و فداکاری است. تصاویری بی‌واسطه از هجوم واقعیت، میزانشن‌های شلوغ و استفاده درست از صدا، مخاطب را به خوبی در ژرفای اثر همراه و در خلوت خودش به حقیقت دعوت می‌کند. متن و صدای راوی یسندت تأثیرگذار است. حتی اگر بارها آن را دیده باشی و حالا که سال‌ها از ساخت آن می‌گذرد، مجدد به تماشايش بنشین، گویی که برای اولین بار به تماشا نشسته‌ای و در هر بار دیدن، گوشه‌ای دیگر در خودت کشف می‌کنی. نکته قابل توجه آن است که شهید آوینی آنچه را که می‌خواهد به مخاطب نشان دهد، از طریق راوی زودتر بیان می‌کند؛ اما این مستند آن‌گونه است که مخاطب با تمام علاقه منتظر می‌ماند که آنچه را شنیده است، ببیند. در واقع او راه را هموار می‌کند تا مخاطب بتواند به فهم عمیق‌تر و دریافت حقیقت نزدیک شود و این همان هنر شهید آوینی است که در سبک اشرافی آثارش، شاهد هستیم. در انتها آن که بهترین توصیف از خرمشهر در فصل افاقا همان است که شهید آوینی در مستند شهر آسمانی می‌گوید: این شهر دروازه‌ای در زمین داشت و دروازه‌ای دیگر در آسمان و تو در جست‌وجوی دروازه آسمانی شهر بودی...



تابلوی شهدای دفاع مقدس اثر رضا بدرالسماء

کارگردان تئاتر از دغدغه‌هایش می‌گوید:

نوشتن از خرمشهر تشریفاتی نیست



محسن بوالحسنی / آن چنان زیاد

نیستند نمایش‌هایی که با موضوع خرمشهر و سالروز آزادی این شهر عزیز، روی صحنه رفته‌اند و در لیست چنین آثاری، تولیدات قابل توجه و تأملی هم به چشم می‌خورد که هنوز در ذهن مخاطبان تئاتری جا خوش کرده‌اند. یکی از این نمایش‌ها که دهه هفتاد در بسیاری

از شهرهای ایران روی صحنه رفت نمایشی ست به نام «آسمان و زمین» به نویسندگی ایوب آفاخانی و کارگردانی امیر دژاکام. این نمایش اما تنها اثر دژاکام در این حوزه نیست. این کارگردان با زیگر مطرح تئاتر، تلویزیون و سینما در گفت‌وگو با «ایران» درباره دغدغه خود برای روی صحنه بردن آثاری در حوزه دفاع مقدس و بخصوص موضوع فتح خرمشهر می‌گوید: «من به جز آسمان و زمین، کارهایی مثل «راز شایق» و «پسر کارون» را هم روی صحنه بردم که هر دو اثر روی سمفونی‌های مجید انتظامی و کامبیز روشن روان ساخته شد و بسیاری‌ها هم از این نمایش استقبال صورت گرفت. غیر از این، در بخش نویسندگی هم فیلمنامه «باد کافر» را نوشتم و کار کردن در این حوزه و بخش همیشه برای من جذاب بوده و خواهد بود و اگر مسیر مهیا شود و اجازه بدهند کار دیگری را هم دوست دارم روی صحنه ببرم که متأسفانه بعد از سه سال هنوز موفق به این امر نشده‌ام. نمایشی است به نام «غزل کفر» که از همین فرصت استفاده می‌کنم و از مدیران عزیز فرهنگی می‌خواهم که سنگ‌هایی که جلو این کار هست را بردارند و بگذارند این اجرا را روی صحنه ببرم.»

دژاکام از شکل و زاویه نگاهش به موضوع دفاع مقدس و خرمشهر هم می‌گوید و در صحبت‌هایش به این موضوع اشاره می‌کند که او نگاه غیرتشریفاتی به این حوزه دارد و چنین نگاهی را لازمه خلق یک اثر موفق می‌داند. دژاکام می‌گوید: «جنگ یک موضوع تشریفاتی یا دستوری و... نبود. موضوعی بود پیش آمد و مردم از پیر و جوان و خرد و کلان هم با تمام وجود و براساس آنچه وظیفه حکم می‌کرد رفتند و پای کار ماندند و نگذاشتند چیزی از این سرزمین از دست برود. همه چیز خود را دادند اما نگذاشتند این اتفاق بیفتد. در تولید آثار هنری هم وضع همین است. هنرمندی که از دل و بطن جامعه آمده می‌خواهد مثل همین مردم و از جنس همان‌ها باشد تا قصه‌شان را تعریف کند. نباید به هنرمندی که می‌خواهند از این عرصه مهم و سترگ حرف بزنند گفت چطور بنویسند و چطور خلق کنند. من همیشه عاشق نوشتن و خلق کردن درباره جنگ بوده و هستم و خواهم بود. چیزی را می‌نویسم و می‌سازم که واقعیت داشته باشد و وجه هنری‌اش غالب بر تمام وجود دیگرش باشد. چشمی هم به مسائل مالی ندارم و همین مسأله دست من را برای ساخت، روایت و پرداخت اثری درباره شهدا و جان برکفانی که از خون خود گذشتند باز می‌گذارد.»

دژاکام درباره اجرای «آسمان و زمین» که در دهه هفتاد در بسیاری شهرهای ایران روی صحنه رفت هم می‌گوید: «من به همراه حدود سی نفر از همکارانم در این پروژه در شهرهای مختلفی این نمایش را روی صحنه بردیم و همه ما کمترین دستمزد را دریافت کردیم چون هدف چیز دیگری بود. قصد نمایش صرف برگزار کردن نداشتیم بلکه می‌خواستیم موضوعی به این مهمی را در قالب و به زبان هنر برای مردم بازگو کنیم چون هیچ بستر دیگری چنین ظرفیتی ندارد.»

دژاکام در پایان صحبت‌های خود، از دغدغه‌اش درحوزه نمایشنامه می‌گوید و به کمبود متن‌های قابل تأمل اشاره می‌کند و تأکید دارد که «متأسفانه ما در این حوزه جز تعدادی انگشت‌نگار، نویسنده چیره دست نداریم. وقتی به حافظ رجوع می‌کنم می‌توانم از علیرضا نادری، شهرام کریمی و چند نام دیگر اسم بیاورم که به عقیده من این تعداد نویسنده برای پرداخت درست و هنرمندانه از موضوع دفاع مقدس و علی‌الخصوص فتح خرمشهر بسیار کم است و باید این ظرفیت‌ها بیشتر و بیشتر شوند.»

مهدی سجاده چی به «ایران» از تصویر وقایع خرمشهر در سینما گفته است

خرمشهر علاوه بر حماسه، درام می‌خواهد

فرهنگی / مقاومت ۳۴ روزه خرمشهر و حماسه آزادسازی آن به عنوان یکی از مهم‌ترین روزه‌های تاریخ معاصر ایران پتانسیل بسیاری برای روایت در قالبی فیلم دارد. در برخی از آثار سینمایی بخشی از ابعاد حماسه سوم خرداد تصویر شده اما میزان تولیدات سینمایی و تلویزیونی در مقایسه با حجم خرد روایت‌ها، داستان‌های مختلف و در مجموع بزرگی این رخداد اندک است. «سرزمین خورشید»، «کیبیا»، «روز سوم»، «بلمی به سوی ساحل»، سریال «خاک سرخ» و... از معدود آثار این حوزه است. با این همه مهدی سجاده‌چی که تجربه نگارش فیلمنامه «روز سوم» و سریال «خاک سرخ» با محور وقایع خرمشهر را دارد معتقد است به جای تمرکز بر کمیت آثار باید بر تحول در نوع نگاه و پرداخت سوزه اهتمام کرد. او خلق درام‌های جذاب و کاراکترهای باورپذیر و بازنگری در پرداخت به فیزیک جنگ

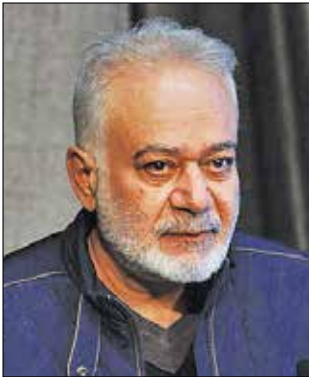
یعنی انسان، اسلحه و جغرافیا را ضرورت امروز سینمای جنگ می‌داند. سجاده‌چی به «ایران» می‌گوید: «کمبود آثار سینمایی با محوریت وقایع خرمشهر (مقاومت، سقوط و آزادسازی) چالش امروز سینمای جنگ نیست، اشکال در شیوه دراماتیک کردن اتفاقات است. مسأله هم فقط فیلمنامه نیست اساساً نگاه به این ماجرا مشکل دارد؛ یعنی در دراماتیک کردن موقعیت تاریخی معاصر ضعف داریم.»

او در ادامه می‌افزاید: «مقاومتی‌سی و چند روزه شکل گرفته و هر کس به گوشه‌ای از آن پرداخته است اما تنها وقایع بیرونی اهمیت پیدا کرده و در هیچ‌کدام درام نداریم. در این حوزه به نمایشنامه‌های جذاب و رمان‌های قوی با درام به معنای واقعی نیاز داریم تا از روی آنها اقتباس‌های سینمایی صورت بگیرد. می‌توان فیلمی در باره خرمشهر ساخت و فقط در چند پرده و ساعت به موقعیت‌هایی پرداخت

که آدم‌ها مجبور می‌شوند تصمیم‌های سخت و سرنوشت‌ساز بگیرند.»

به گفته سجاده‌چی این نگاه را می‌توان به تمام آثار دفاع مقدس تعمیم داد یعنی سینمای دفاع مقدس یا کاراکترهایی را کم دارد که بتوانند درام را با خود حمل کند یا درام‌هایی که کاراکترهای جذاب باورکردنی و الهام بخش داشته باشد.

این فیلمنامه‌نویس معتقد است که توجه به سخت‌افزار و فیزیک جنگ بر سینمای دفاع مقدس مسلط شده و این مسأله دومین ضعف جدی آثار این حوزه است: «مشکل اینجاست که حتی راجع به همین‌ها هم با ظرافت و به درستی کار نکردیم. وقتی راجع به جنگ صحبت می‌کنیم، تصورمان شبیه نقشه‌های اتاق جنگ یا چند سریاز و کوه و چند تانک است. در حالی که فیزیک جنگ شامل انسان، اسلحه و جغرافیا باید کاراکتر داشته باشد؛ تانک یا کلاشنیکف و زمینی که روی آن راه می‌رویم هم به مفهوم



مجازی می‌تواند دارای کاراکتر باشد همان طور که در شاهنامه اسلحه پهلوانان از جمله تازیانه بهرام، کاراکتر دارد و رابطه‌های شبیه انسان و شرافتش میان آنها شکل می‌گیرد. مهم نیست که برای یک فیلم صدتانک بیاوریم یا با جلوه‌های ویژه بصری صحنه‌های عظیم درست کنیم و چند اسکادران تانک را در یک دشت نشان بدهیم این‌ها وقتی اهمیت پیدا می‌کنند که لاف‌لی یکی از آنها کاراکتر داشته باشد.»

سجاده‌چی در پایان با تأکید می‌گوید

که باید بر درام‌تیزه کردن موقعیت‌های انسانی در وقایع خرمشهر تمرکز شود: «ما در دراماتیک کردن موضوع خرمشهر الکن شده‌ایم اما راه‌حلی که به ذهن هم می‌رسد ساخت فیلم‌های فاخر است. تعبیر فیلم فاخر هم این شده که هزینه تولید را بالا ببریم اما هم کسانی که سفارش می‌گیرند غافلند از اینکه در موقعیت تاریخی مثل اشغال، فتح و بازپس‌گیری خرمشهر چه جنبه‌های دراماتیک نیرومندی وجود دارد، اگر به وقایع خارجی و بافت فیزیکی ماجرا نگاه نکنیم بلکه به آدم‌ها و موقعیت انسانی بپردازیم، نگاه حماسی به آنچه در خرمشهر گذشت و پرداختن به مقاومتی که برخلاف منطق نظامی، همه را شگفت‌زده کرد درست است اما نه به این شکل که دائم شکل بیرونی ماجرا و مقاومت را نشان بدهیم و آدم‌هایی را که در این مقاومت هستند نبینیم.»

جناب آقای دکتر امیر بخشی زاده

مدیرکل محترم راه و شهرسازی استان آذربایجان شرقی

انتصاب شایسته جناب‌عالی را تبریک عرض نموده و از خداوند متعال آرزوی موفقیت بیش از پیش را برایتان داریم.

مهندسین مشاور پل رود

charityvabdat.ir

#این_خانه_اگر_سبز_است_امید_شما_یید



حساب تجارت: ۲۶۹۲۶۳۱۷
کارت تجارت: ۵۵۸۹۸۳۷۰۰۰۵۲۳۴۸۶

آدرس: پاسداران، خیابان شهید ابوان (انتهای بوستان دوم)، بعد از متروی زین الدین، خیابان شهید افتخاری یا سادق‌ش، کوچه بوستان دوم شرقی، پلاک ۱۱ و ۱۲

تلفن: ۲۲۹۴۲۱۳۲ - ۲۲۹۴۷۰۱۴